

نجمن كافه نویسندگان



طراح: mahsa

نویسنده

مرآت

دلنویسته

مرآت

دلم رابه روزگار سپرده‌ام. تا دورشوم از دره‌ی الم.
دره‌ای که مارا با دردها درخود اسیر کرده بود.



اطلاعات اثر

دسته بندی: دلنوشته

عنوان: مرآت

نویسنده: بلوط (فاطمه خدادادی)

ژانر: تراژدی، اجتماعی

انتشارات: کافه نویسندگان

شناسنامه‌ی اثر

سطح اثر: منتخب

ناظر: ندارد

ویراستار: gece Yildizi

طراح: mahsa

کیبست: ..ROYA..



cafewriters.xyz

دیباچه:

زخم کهنه ی ما مرحم جواب گو نیست!

عفونت کرده است

و مرحم بی تاثیر!

بیش از دیگران

خود با خود چه کردیم؟

تو ثبات را فروختی

من نیز آینه وجودیت را

دور از همه خاک کردم

و به یاد ندارم

مرآت چیست؟

و آغازش کجا؟!

پ.ن: تقدیم به تمام بانوان سرزمینم!

کلافگی من از راستینگی است
 آشفته‌ام، کم توانم، بی‌انگیزام و هر آنچه ناسازگار است به اکنافم آمده.
 و بیشتر از همه دلتنگم...
 این‌ها تمام چرایی جز تو ندارد.
 نگاه نهفته، یاد مرا به راز نهان ما میبرد.
 توجه‌های پنهان توست که مرا آشفته‌تر و دلتنگ‌تر می‌کند.

واژه نامه:

کلافگی: آشفته‌گی

راستینگی: واقعیت

اکناف: حوالی، اطراف

نگاه نهفته: پنهان

نهان: پنهان

خیلی آدم‌های نو رفته‌اند
 تا کهنه‌ها برایمان باقی بمانند
 دل آزار شدن، دور شدن و ستاره‌ای شدن در عرش تاریک دلمان که سویی ندارد.

واژه نامه:

عرش: آسمان (در اینجا به معنای والا، مهم)

سو: نور، پرتو

زخم زدن را خوب بلدیم و جز آن
این چنین مهارت در هیچ نداریم.
محبت هایمان در فرجام زُهم می شود.
خداوندا! ما مخلوقات مغتنم توایم.
و برای من چه نفرت انگیز است باور این فرهود که سومیتا مرده است!

واژه نامه:

فرجام: پایان

زُهم: زخم

مغتنم: ارزشمند

فرهود: حقیقت

سومیتا: محبت، مهربانی

آشفته که می شد، گویی در دنیایی از اعمال اش معلق می ماند؛ و وجود مرا با خود
می برد، به دل زمینِ تاریک و غرق در آتشی که شعله ها از خود روشنایی داشت؛ اما
افرازه سوزان اش چشم را ضریر می کرد.
سکوت اش فریاد میزد و صدای تپش های قلبام را در خود خفه می کرد.
نفس ام را در آغو*ش خود می کشید و قطع می کرد.
ثفل او را احاطه می کرد و مرا بارها می کشت.

واژه نامه:

معلق: پادر هوا

افرازه: شعله، زبانه

ضریر: نابینا

خفه: دلگیر

ثقل: درد
احاطه: زندانی، محاصره

دل‌م رابه روزگار سپردام.
تا دورشوم از دره‌ی الم.
دره‌ای که مارا با دردها درخود اسیر کرده بود.
اما روزگار، افترای بیش نبود.
گر دور می‌شوم دوباره مرا در خود غرق می‌کند.
ازنو بارها و بارها.
بانگ شیون‌اش گوش را کر می‌کند و در دل آشوبی آغاز می‌کند که جوشش چشمه،
چشم را کور می‌کند.
دره‌ی الم، شروع و پایان ندارد.
تا عاقبت الامر باید جان دهم.
کاش...
کاش چاره نیست، بیراه می‌گوییم.

واژه نامه:

دره الم: تشبیه مشکلات گذشته

افترا: دروغ

بانگ: فریاد

شیون: گریه، زار

جوشش چشمه چشم: اشک

عاقبت الامر: سرانجام، پایان

چاره: علاج، درمان

بیراه: چرت، بی‌مربوط

دردهایی که در کلام مردم میهمان است. دردهایی که برایش شیون می کنند.
 و هزارویک مجلس را برای ریشه کنی آن بر پا می کنند؛ من زندگی می کنم.
 رد پای این دردها؛ جسم و روح من را در خود احاطه کرده است.
 واژگان تا امید را در من آغاز می کنند ردپای ثفل روان را در خود اسیر می کند و
 جای اش در جسم می ماند.
 اما این مجازات من است؛ امید را فریاد زخم حتی اگر نایی بر تن و جان نمانده باشد.
 در میان هزار باره فکر بیا و تبسم زن.

واژه نامه:

شیون: زاری

احاطه: محاصره، زندانی

ثفل روان: درد روح

کلام آسان و آرامی است. آرامش
 کلمه‌ای که سکوت را در کلام او دیدم.
 زیرا که واج به واج زندگانی مرا خالی از سکون فرا گرفته.
 او هر آنچه پیش را گشت پیدا نکرد آسودگی!
 در گودی گرد محبت نبود.
 در عمق آبی چشم نواز نیافت.
 در عشق اما...
 در دلدادگی و عشق پیدا کرد. چنین که زود گذر بود.
 او بود و دیگری نبود. چقدر نفرت دارم از این آمدن، نماندن و نشدها.

مضحک‌ترین است. دوست بداری و محافظت را خوب ندانی. بهانه‌ای بیش نیست!
یافتن آرامش؛ چنین لحمه‌ای برای‌اش آشوبی بیش نبود.
بعد از نبودن برای یافتن تسکین تمام شهر را به آغو*ش می کشید!

واژه نامه:

سکون: آرامش

عمق آبی چشم نواز: دریا

مضحک: خنده دار

لحمه: لحظه

آشوب: اضطراب

تسکین: التیام، آرامش

جهان خالی از آرامش مرا انتظار پر کرده بود.
هزارباره منتظر ماندم
منتظر تا از تمام آدم‌ها گذر کنی!
صبر کردم. تمام درد‌های به گش نشسته‌ات را بگذرانی.
منتظر ماندم تا به خاطر بیاوری.
منتظر ماندم که میان زُهم‌های به دل نشسته مرا دوست بداری!
و این انتظار جز پوچی هیچ نبود. از کسی که واقعیت را هم به نسیان پیش کش کرده
است!

واژه نامه:

گش: دل

زُهم: زخم

پوچی: بیهودگی

نسیان: فراموشی
پیش کش: تقدیم، اهدا، تحفه

راه نرفتن را در کلامی خلاصه کردم
و تو زمانی به گفتنش زبان گشودی که نماندن بهتر بود.
هرسری که تو را باور کردم از گمان خود نادامم کردی.
زخم کهنه‌ی ما مرحم جواب‌گو نیست!

عفونت کرده است

و مرحم بی تاثیر!

بیش از دیگران

خود با خود چه کردیم؟

تو ثبات را فروختی

من نیز آینه وجودیت را

دور از همه خاک کردم

و به یاد ندارم

مرآت چیست؟

و آغازش کجا؟

گویی که جای آن که چیست را با فولاد پر کرده‌اند!

همان قدر سنگین و بیشتر از پیش دردناک!

و علاج‌اش اجتناب هر چه بیشترتر از توست!

واژه نامه:

گمان: تصور

نادم: پشیمان

مرحم: در اینجا به معنای درمان

ثبات: استقامت

مرآت: آینه

علاج: چاره

اجتناب: دوری

منی که ستاره‌ای در آسمان شدم

هر آنچه دورترم درخشش‌ام بیشتر است!

تبسم داری؟

و برایت شیرین است و منتظری تا درخشش‌ام بینی؟

ستاره...

چشمه‌ای نور که در ظلمت شب در آسمان می‌درخشد را از دور نظاره شو.

با نزدیک شدن مرا گم می‌کنی

زیرا که سالیانیست خموش شدم.

تو را میان واژگان رها می‌کنم و یقین دارم این از قلم انداختن تو، برایم دشوارتر از هر

مرارت کنار تو بود؛ زیرا روح‌های به هم گره خورده، دردها را پس می‌زنند

و گره کور میان‌شان باز ناشدنی است.

ذهن ناتوان‌تر از آن است که روح گره

کور؛ خورده را به فراموشی مبتلا کند. اگر هیاهوی باد به خیال تو آغاز شده، او را بگو

دویدن‌اش بی‌جاست؛ بنشیند!

کسی که بند کور روان را شکافت؛ هزاربرابر جلوتر است. و زلت است رسم ناراست را گام

نهد.

واژه نامه:

مرارت: سختی

بند: گره

روان: روح

زلت: خطا، لغزش

رسم: راه

ناراست: کژ، نادرست

پدر آمد

بوی نان نیز

بازی نسیم با حریر رقصان خانمان

چشمک نور میان زیلو رنگارنگ

پیچش گیسوانم به دست مادر

دورتر از آشیانه ما

موج‌های به هم سوار

سمک‌های هوشیاریم

نسیم میهمان گیسوان

فراغ بال خیال

یکسر با باد، با موج

با سمک‌های خفته

عمق بحر، برهوت

با آرامش به فنا رفتند.

واژه نامه:

حریر: پرده

زیلو: فرش

سمک: ماهی

یم: دریا

فرغ بال: آسودگی خاطر

بحر: دریا

برهوت: کویر، بیابان (در اینجا به معنای بیابان)

فنا: نابودی

جای گماشته بودم

خنده‌ام را

شیطنت‌های بچگانه‌ام را

پس جنگِ نخ‌نمای صندوقچه

و دل نشین نیست؟

خیال دوباره تسخیر، لمس، حس کردن

تماما خود!

نسیم می‌وزد

حریرها می‌رقصند

زلف‌های پریشان هم

چمدان حرف‌ها دارد

خیالم دور دست‌ها را سیر

وجود چپ سینه نیز

به خیال شکفتن دوباره

اگر چه رنج دارد
امید نیز

واژه‌نامه:

جنگ: آلبوم

سیر: تماشا، سیاحت، گشت

وجود: قلب

www.cafewriters.xyz

کافه نویسندگان انتشارات دیجیتال کتاب متنی و صوتی

اگر تصمیم دارید کتابتان را چاپ کنید یا به تازگی اثری را شروع کنید و آن را به چاپ برسانید، به مجموعه کافه نویسندگان بپیوندید

□ نقد و نظارت و راهنمایی رایگان

کافه نویسندگان در راستای نگارش اثری مطلوب به شما یاری می دهد و از ابتدای نگارش یک اثر تا انتهای آن همراه شما خواهد بود. اثر شما در انجمن ما به طور رایگان نقد می شود و شما می توانید با کمک از نقد خود، اثرتان را ویرایش کنید و ایرادها را اصلاح کنید و به این صورت سطح اثرتان را بالا ببرید و شانس بیشتری برای چاپ داشته باشید.

□ ویراستاری رایگان

اثر شما به صورت رایگان از نظر نگارشی ویرایش می شود و رعایت علائم نگارشی و نکات ویراستاری برای شما یک امتیاز مثبت محسوب می شود.

□ برگزاری ورکشاپ و کارگاه های آموزشی آنلاین به صورت رایگان در انجمن نویسندگان کافه نویسندگان

شما می توانید به صورت کاملا رایگان در کارگاه های آموزشی با سرفصل های متنوع شرکت کنید و شرکت برای عموم آزاد است، شما می توانید حتی از ۰ شروع کنید و در انجمن کافه نویسندگان آموزش ببینید و اثرتان را به چاپ برسانید.

□ مشاوره های رایگان

ما برای تمام مراحل از نگارش کتاب تا چاپ و تولید آن به صورت رایگان به شما مشاوره خواهیم داد. ما با مشاوره سعی خواهیم کرد بهترین نتیجه را از اثر خود بگیرید.

□ در کافه نویسندگان هرگز دلسرد نخواهید شد!

اگر اثر شما جهت چاپ تایید نشود، کتاب شما به صورت رسمی در سایت اصلی به صورت دیجیتال منتشر خواهد شد. خبر خوب این است که می توانید نسخه ی فروشی با قیمت توافقی خودتان را هم در فروشگاه اینترنتی کافه نویسندگان انتشار دهید و به آسانی فروش اثر خود را کنترل کنید.

□ نیازی به پرداخت هزینه ی بالای کاغذ ندارید.

با توجه به هزینه ی بالای کاغذ و چاپ، انتشار الکترونیک بهترین گزینه است اما ما در کنار انتشار الکترونیک، چاپ رایگان هم برای شما عزیزان خواهیم داشت.

فکر آن که خودتان برای چاپ کتاب خرج کنید را از سرتان بیرون کنید، چرا که انتشاراتی که به هزینه ی نویسنده اثری را چاپ می کنند منجر به فروش نرسیدن آثار و جمع آوری کتاب ها در انباری و ضرر و زیان می شود، ما با مشاوره و راهنمایی سعی می کنیم همه چیز به نفع شما تمام شود و در کافه نویسندگان ریسکی نخواهید کرد.

□ اعتماد و اطمینان

اثر شما در انجمن ما محفوظ می باشد و اگر اثری را به ما می سپارید دست ما امانت است، انجمن کافه نویسندگان به تمامی حقوق نویسنده احترام می گذارد و آنان را رعایت می کند. توجه داشته باشید که سودجویان از آثار شما سو استفاده نکنند که سارقان ادبی نیز کم نیستند اما خوشبختانه در کافه نویسندگان می توانید اثرتان را با خیال راحت به دست ما بسپارید تا با اسم خودتان چاپ یا منتشر شود.

□ مجوز رسمی از فرهنگ وزارت ارشاد اسلامی

تمامی فعالیت های مجموعه کافه نویسندگان به صورت قانونی و زیر نظر وزارت ارشاد اسلامی صورت می گیرد.

□ می توانید استعلام بگیرید!

در صفحه ی اصلی سایت و فروشگاه، قسمت پایین صفحه می توانید با کلیک بر روی نماد ها، استعلام معتبر بودن مجوز هارا مشاهده کنید.

□ قرار داد با بهترین ناشران

ما با بهترین ناشران و معتبر ترین های کشور جهت چاپ رایگان آثار شما قرار داد بسته ایم. ما آثارتان را جهت چاپ برای انتشاراتی ها ارسال می کنیم و در راستای بهترین نتیجه و به ثمر رساندن تلاش هایتان همراه شما خواهیم بود.

□ ما با توجه به نوع اثر و ژانر و محتوا، طبق شناخت انتشاراتی را جهت چاپ انتخاب می کنیم که با توجه به موارد ذکر شده شانس بیشتری داشته باشید، برای مثال یک انتشارات بیشتر رمان های اجتماعی چاپ می کند، اگر اثر شما اجتماعی بود اثرتان را به آن انتشارات ارسال می کنیم.

□ نویسندگی و چاپ در تمام زمینه ها

فعالیت انجمن نویسندگی ما محدود به رمان دلنوشته و شعر نیست بلکه کتاب های علمی ادبی، دینی، روانشناسی، داستانی، خودیاری، سفرنامه، خاطره

نویسی، زندگینامه، داستان های کودکان و... تمامی زمینه های نویسندگی و کتاب فعالیت دارد.

"کافه نویسندگان بهترین گزینه برای به ثمر رساندن تلاش هایتان"

کافه نویسندگان به طور قانونی آثار نویسندگان را انتشار می دهد.

در صورت تمایل به انتشار هر گونه اثر در مجموعه کافه نویسندگان به صورت متنی یا صوتی، با ما در ارتباط باشید.

شما می توانید اثر خود را به ایمیل پشتیبان ارسال کنید تا پس از بررسی های لازم منتشر شود.


[/https://forum.cafewriters.xyz](https://forum.cafewriters.xyz): انجمن 

[/https://www.cafewriters.xyz](https://www.cafewriters.xyz) : وبسایت 

اینستاگرام: @cafewriters.xyz 

ایمیل پشتیبانی: support@cafewriters.xyz 

ID: @cafewriters_xyz 

۰۹۹۱۸۸۹۵۵۶۰ 

پایان..